

دو نیمه در بهشت

سهمیه آسیا: بوریابافان در کارگاه حریر

امیر بوری

۱- آخر این چه اقبالی است که من دارم؟! الان که شما دارید این یادداشت را می خوانید، بازی دیشب ایتالیا و اوکراین برگزار شده و نتیجه و چند و چونش پرایشان روشن است؛ ولی من به ضرورت زمان آماده سازی و صفحه بندی روزنامه، دارم چند ساعت مانده به مسابقه، این را می نویسم. معنی عجیبی دارد: خودم نمی دانم که موقع خواندن این ستون توسط شما، زنده ام یا نه؟! اگر آتوزری از قرعه ظاهرآ آسان و در واقع خطرناکش (چون با خطر «امپینیا یافتن از برد و صعود» همراه است) استفاده نکرده باشد و به هر شکل و دلیلی در یک چهارم حذف شده باشد، من دیشب سکنه کردهام و این آخرین ستون «دو نیمه در بهشت» است که پیش از کسب عنوان افتخاری «جوان ناکام» برایتان می نویسم! در غیر این صورت، در ستون فردا راجع به این بازی و ماجراهایش با هم اختلاط می کنیم.

۲- نمی دانم چرا برای خودم این توهم باطل و بی دلیل داشتیم که دوستان تلویزیون به آن انتقادهای تند و صریحم درباره مسابقه عصبی کننده و بلا تکلیف «جام طلایی» (در همین ستون و در روز یکشنبه هفته پیش، چهارم تیرماه) توجه می کنند.

اگر ادعایی مبنی بر نادرستی این نظر من وجود دارد، طبعاً باید در عملکردها خودش را نشان بدهد: یا در ترتیب اثر دادن انتقادهای مستدل و به درد بخور؛ و یا در بروز عکس العمل و ارسال جوابیه در مقابل انتقادهای بی پایه و اساس. به هر حال، مشکلات قبلی این مسابقه، همچنان پابرجاست. هنوز نه شرکت کنندگانث، نه انبوه بینندگان دیگری که بازی های جام را دنبال می کنند و مجبورند آن وسط، این قرعه بازی و لوپ شدن مدام آرم و نام اسپانسرهای آن در تلویزیون ها از سی دی های پشت سر گویندگان برنامه را هم شبی چند بار تحمل کنند و یا حتی خود مجری آن، نمی داندن که بحث های پپیچیده «ضرب احتشام!» و این بازی های عجیب و غریب که گاهی مجری می گوید «الان فقط فلا ن دو عدد باید از گلدان بیرون بیاید» و غیره، اصلاً یعنی چه؟! چطور شده که مسابقه های متداول در همه جای دنیا در این روزهای پرهیجان جام جهانی، به «پیش بینی» درست یا تقریباً درست نتیجه مسابقات، جایزه می دهند و اینجا، دوستان عزیز ما همه چیز را به لاتاری و بخت آزمایی شبیه کرده اند و بدون توجه به نتیجه درست و غلط، و به هر شکرت کنندای امکان حضور در قرعه کشی می دهند؟ آن هم با قوانینی که روشن است مجری مسابقه هم از آن سر دزمنی آورد و بارها اشتباه می کند و بهش می گویند باید این یکی رقم را عوض کند و آن یکی را دوباره توی گلدان بیندازد و غیره؟! اگر نهاد دیگری به بهانه جام جهانی و بدون هیچ ترحمی به پیش بینی های درست و غلط، این طور لاتاری های پررنگ و لعاب و وسوسه انگیز به راه می انداخت، همین تلویزیون دستش را در» نمی کرد و نمی گفت این نوع مسابقات فقط و فقط به قصد بیشتر فروش رفتن بسته های CD شرکت در مسابقه، برپا شده و نوعی دکان و بازار است؟ نمی گفت برگزارکنندگان این مسابقه حق ندارند مفهوم واژه های فارسی را به دلخواه خودشان عوض کنند و به جای «برنده خوش شانس» یکسره و با بیشترین میزان تأکید ممکن بگویند «خوش بخت» و بردن «یک دستگاه خودرو» یا مثلاً «یک دستگاه آپارتمان» از مسابقه جام طلایی و مظهر سعادت و نیک بختی بشر بینگارند؟! نمی گفت این لحن «بشتابید، بشتابید که در کلام مجری مسابقه جاری است و حتی اصرار و تأکید می کند که بسته های با هولوگرام و بی هولوگرام و اصل و کپی و غیوه هیچ فرقی نمی کند، فقط تا می توانید و تا دیر نشده، شما را به خدا در این مسابقه شرکت کنید، خیلی اصل و اساس تجارت پرسود موجود را لو می دهد؟ نمی گفت تعادل و منطقی و متمركز بودن و پرهیز از شلوغ بازی و جا زدن و به خصوص شرکت دادن جواب های درست، می توانست جذایت اصلی چنین مسابقه ای باشد؟

۳- بحث بر سر اینکه فیفا در جام بدی سهمیه قاره آسیا را کاهش دهد، کاملاً جدی شده. می دانید که ورود رقب گردن کلفتی مثل استرالیا به بازی های انتخابی آسیا در جام ۲۰۱۰ قطعی است. تازه قرار است لوله خروجی این قیف را هم تنگ تر کنند. آن را تصصیمات، حاصل بدبازی های تصادفی تیم های آسیایی در جام آلمان است؟ خوب که نگاه کنیم، معادلات صعود تیم ها از گروه های هشت گانه مرحله اول و بدش، معادلات منجر به تعیین برندگان بازی های یک هشتم، با یکی دو استثنای کوچک، به شکل مغفولی برقرار شد و حذف عجیب و شگفتنی خارق العاده ای اتفاق نیفتاد. بالا نیامدن لهستان و چک از مرحله اول و حذف هلند و اسپانیا در یک هشتم، تنها نکات پیش بینی نشده جام تا پیش از شروع مرحله یک چهارم بود که آن هم با توجه به قرعه مسابقات و رودرویی هلند و اسپانیا با دو تیم موزی پرتغال و فرانسه، تا اندازه ای قابل پیش بینی بود و با این حساب، وقتی حتی در پیش بینی هایمان هم جا و بختی برای صعود کره و ژاپن و عربستان و تیم خودمان نمی دیدیم، واقعاً باید خیلی جابخوریم که فیفا بخواهد سهمیه آسیا را تقلیل دهد؟ اصلاً فکر نمی کنید از اولش این سهمیه به طور کاذبی افزایش یافته بود؟ نتایج کره جنوبی و ژاپن در جام قبلی، چند درصدش به میزبانی شان برمی گشت و چندش به سرمایه گذاری و پرورش استعدادها و سطح و توان واقعی فوتبال آنها؟ بیهوده غر نزنیم.

سهمیه آسیا در همین جام هم نباید بیشتر می شد. اگر نمی شد، ما با دوم شدن در گروه مقدماتی، نمی توانستیم به دنبال ژاپن به جام وریم و دچار توهمات واهی نمی شدیم و فکر نمی کردیم همین که کشوری چند بازیکن در لیگ های اروپایی دارد، یعنی اینکه فوتبالش در سطح بین المللی قابلیت مطرح شدن پیدا کرده. همچنان و مثل خیلی از مناسباتی که در ادعاهای جاری در فضای هنری مان هم داریم، در فضای ورزش فوتبال هم بیت کلدی و پرمصداقی که از یاد برده ام، این است که: بوریاباف اگر چه بافنده است/ نبریندش به کارگاه حریر .

علی فولادی، آلمان: شاید برزیلی ها حق دارند که ادعا می کنند خدا با برزیلی ها است. دلیشان هم این است

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

علی فولادی

تک نگاری بازی های سه شبانه

ما آلمانی هستیم، شما نیستید



برزیلی ها به آخر رسید و البته غنا با آن نفس های چاق چشمان کارلوس آلبرتو را ترساند تا تیش را به عقب ببرد. معروف است. تیم او جمهوری چک را با آن همه ستاره پشت سر گذاشت و نزدیک بود برزیل را هم به این سرنوشت دچار کند که سوپرستاره های برزیل به این تله نیفتادند. شاگردان دویکوویچ اما در کل نیمه اول و در دقایقی از نیمه دوم با ضربات کوتاه کوتاه و پاس های ساده خود فرصت های گل بسیار را به دست آوردند، آن هم از قلب خط دفاعی برزیل که تمامی فرصت ها با بی دقتی هدر رفت. هر وقت هم راه را بسته می دیدند، توپ را به عرض می بردند و سپس در بهترین زمان با یک پاس زمینی مستقیم همان تاکتیک را از سر می گرفتند. این تیم البته در نیمه دوم و با ورود گیلبرتو سیلوا و عقب نشستن زی روبرتو به پایان رسید. وقتی زی روبرتو عضوی از خط دفاعی برزیل شد، تماشاچی ها قهقهه‌بند که موقع هو کردن برزیل رسیده. در عین حال در آن سمت غنا با وجود این شکست سنگین بازنده ای باوقار بود. راستش دویکوویچ و برانکو ایوانکوویچ هر دو از شرق اروپا آمده اند و به کسانی که این انتخاب ها را کرده اند باید تبریک گفت.

اغلب خبرنگاران و تماشاگران غیرآلمانی معتقدند فیفا به شدت حامی تیم های بزرگ این دوره است و اغلب سوت ها به سود آنها به صدا درمی آید تا این «مگاپارتی» در آلمان زودتر از موعد به آخر نرسد. گل دوم برزیل هم که اعتراض شدید بازیکنان غنا و طرفدارانش را به همراه داشت موجد همین نکته تلخ است که عدالت و بازی جوانمردانه در فوتبال به کیفیا به شدت می کوشند آن را بزرگ جلوه دهد از بین رفته است. جایی که پول وسط باشد این حرف ها معنا ندارد. غنایی ها از وقتی که ایمان آوردند قرار است آنها هم یک بازنده دیگر باشند، روی آفریقای شان بالا آمد، با این وجود دوباره به حالت عادی برگشتند و نخواستند کار از خراب تر کنند. این بدبینی جمعی به عملکرد دآوری هنگامی به اوج رسید که در نیمه دوم توپی در عمق به رونالدو رسید و کمک داور که کاملاً صحنه را می دید آفساید حتمی رونالدو را نگرفت و لوپوس میشل به جای کمک داور اعلام آفساید کرد؛ در لحظه غنایی ها نمی دانستند چه بگویند و با تمسخر به کمک داور اشاره می کردند و رونالدو هم با نیشخند توپ را به آنها داد. در خوش بیسانه ترین حالت تنها می توان تصور کرد که کمک داور خواب بود.

برزیلی ها تا اواسط نیمه اول بد بازی نکردند. آن تک ضرب های جادویی به «**Magic Touch**» معروف است تا این دقایق زیاد دیده می شد. کافو به رونالدینیو، رونالدینیو به سینه برای کاکا، کاکا با پشت پا برای رونالدو، و دوفی به آدریانو و . . . این فوتبال لذت بخش و یک جام جهانی می ارزید، اما حیف که زود نمایش



اسون گوران اریکسون ادعا می کند که اگر تیش بتواند حتی با زشت ترین و سگالت بارترین شیوه بازی بهترین جام بشود حتماً از آن استقبال می کند. اریکسون که به عقیده بسیاری توانسته با ستاره ها و مهره های استثنایی تیش نمایش های چشم نواز و قابل توجهی ارائه دهد در این خصوص می گوید: «نکته ای که باید به آن اعتراف کنم این است که برای قهرمان شدن در این تورنمنت حاضرم از تمام شیوه های ممکن استفاده کنم. حتی اگر بخوام

بر زشت ترین و آزادنده ترین نمایشش به چنین دستاوردی برسیم، مطمئن باشید از آن استقبال خواهم کرد. « مرد سوئدی فوتبال انگلستان در ادامه می گوید: «نمی دانم که شما تا به حال، بازی کدام تیم ها را در این جام مشاهده کرده اید. چند مسابقه از غنا دیدید؟ غنا کشوری بود که با

بهترین و شایسته ترین نمایش، در این تورنمنت حاضر شد. عملکرد این تیم با آن بازی استثنایی اش در خاطره ها خواهد ماند. هلند، ساحل عاج و اسپانیا نیز مانند غنا

نمایش بسیار چشم نوازی را در میدان مسابقه ارائه دادند اما اکنون آنها کجا هستند؟ می توانند در این جام بازی دیگری انجام دهند؟ از شرایطی که اکنون هم من و تیم منجز مجموعه ام

ویژه جام جهانی ۲۰۰۶

استرالیایی های که آن روز از ورزشگاه کایزرسلاترن بیرون آمدند، مبهوت بودند که چگونه داور بازی در آن دقیقه از بازی اعلام نبالشی کرده. آنها مثل

مکزیکیی ها و هلندی های دو شب قبل نشد. آنها به شدت غمگین بودند. این غم آلوده به عصبانیت به حدی بود که در ایستگاه قطار کایزرسلاترن هیچ هوادار ایتالیایی جرات نمی کرد سروصدای راه بیندازد. مگر موقع راه افتادن قطاری که داخلش بودند و می دانستند (ایتالیا. . . ایتالیا) گفتن های آنها موجب تنش نخواهد شد.

هر چند صحبتی با تماشاگران اندک ایتالیایی ندی ولی تا حدودی مشخص بود که خوششان از این برد چندان رضایت ندارند. حقیقت امر این بود که ایتالیا، چه آن موقع که ماتراتزی در زمین بود چه در دقایق بعد از اخراج او، آن ایتالیای بزرگ قابل انتظار نبود. دل پیرو در زمین یک چیزی شبیه علی دایی خودمان بود که معلوم نیست داره چه کار می کند. جیلاردینو که حتی دویندش هم خنده دار است مثل دل پیرو از کل بازی خارج بود. توتی و کاموآنزی هم که در زمین نبودند و همین موارد کاملاً روی این تیم تأثیر منفی گذاشته بود. نمایش انفرادی بازیکنان ایتالیا به غیر از بوفون، کاناوارو

و زامبروتا به حدی دلسردکننده بود که ایمان آوردیم مارچلو لیبی جداً مربی بسیار بزرگی است که توانسته این مجموعه را تا این مرحله از جام بالا بکشد. هر چند یکی از آن استرالیایی های که بعد از بازی روز دوشنبه دیدیم، می گفت هایدیک اشتباه کرده که در نیمه دوم بازیکنان تازنفنس نیاورد تا حملات این تیم مقابل ایتالیا سرانجامی داشته باشد ولی تمامی آنها از بودن با چنین مربی بزرگی اظهار رضایت می کردند. یکی از آنها می گفت هایدیک کوچ نیست، مسترکوچ است. مسترکوچ! کسی که یکنه تمام کمبودهای تیمش را جبران می کند. همان کاری که رهاگل با یونان کرد. مربیانی از این دست به حدی نکات آموزنده در کارشان هست که دیگران مرتب آن نکته ها را برای همدیگر نقل می کنند. همکار ما در آمریکا پژمان نوزاد از قول افشین قطبی دستیار ایرانی هایدیک در کره جنوبی تعریف می کرد که هایدیک در کره همیشه نیم ساعت زودتر از سایرین غذای خودش را صرف می کرد تا موقع غذا خوردن بازیکن ها، دقیقاً همه مسائل را زیرنظر داشته باشد و اگر هم کسی روحیه خوشی نداشت تمام نیرویش را برای روحیه دادن به آن یک نفر به کار گیرد. . . . هایدیک در عین حال در مسابقه با ایتالیا حسایی مارچلو لیبی را «کیش» کرده بود، فقط مانده بود «مات» آخر که داور مسابقه طبق توصیه فیفا به داد ایتالیا رسید. در آن لحظاتی که همه بازیکنان استرالیا در آدر مسابقه ماتشان برده بود، گاس به وسط زمین رفت، با داوران دست داد و همه را از روی نیمکت صدا زد تا به کنار او بایند و از مردمشان تشکر کنند. همین نکته گویای همه شخصیت گاس بزرگ است. چند سال باید طول بکشد یک مربی مثل او در فوتبال ما پیدا شود؟!

اینجا خیلی ها شانشی برای تیم دوست داشتنی آرژانتین متصور نیستند. کل کشور آلمان بسیج شده تا فوتبال این کشور به فینال برسد و بهینا در مسابقه روز گذشته آرژانتین ورزشگاه بزرگ برلین لحظات بسیار سختی را تحمل خواهد کرد. آرژانتینی که هر چند مملو از جوانان مستعد است ولی در مقابل مکزیک نشان داد تا چه حد شکننده بازی می کند. ضمن این که ریکلمه هنوز آن رهبر واقعی میانه میدان تیش نشده و تا به امروز توانسته نبض تیش را در دست بگیرد. سنگینی در دویدن و بی دقتی در پاس هایش در مسابقه با مکزیک اتفاق خوشایندی برای سرمربی این تیم نبود و با این حساب در صورت ادامه این روند نمی توان به آرژانتینی که جوان است و می خواهد برابر یک کشور بایستد امید زیادی بست. شرایط آلمان به گونه ای است که حتی اغلب خارجی های مقیم این کشور آزروی قهرمانی این تیم در جام جهانی را دارند. اعتقادشان می کند ژاپنی ها می آیند و می روند. تماشاگرانشان که بدتر. طرفدار همه تیم ها هم هستند. چنان پیراهن آن کشور را می پوشند، صورشان را رنگ می کنند و پرچم آن تیم را روی دوششان می اندازند که طرفداران اصلی همان تیم ها جلوی ژاپنی ها کوتاه می آیند. حالا اگر از یکی دو تیم هواداری می کردید بد نبود، ولی در بازی ایتالیا، برزیل، اسپانیا، آلمان، آرژانتین و . . . آنها را می بینی که دائم مثل مورچه می آیند و می روند. همه هم شبیه همدیگر. البته برای آن که شباهت بیشتری به مردمان کشورهای همجوشان پیدا کنند، به حدی صورت و موهای خود را دست کاری می کنند که بیشتر مایه خنده شده اند. خیلی خوب بود اگر

هواداران استرالیا هنوز در شوک شکست از ایتالیا هستند. آنها از روز دوشنبه، بیست و ششم ژوئن تا به امروز در آندوه آن باخت عجیب و باورنکردنی اند. تمامی

علی فولادی

سخت ترین مسیر

اما من اعتقاد دارم که سن و سال چندان مسئله مهمی در فوتبال نیست. هر کس بنا به قدرت و توانایی ای که دارد می تواند در سن و سال بسیار زیاد نیز در تیم ملی کشورش بازی کند. ما با همان شیوه همیشگی و با تکیه بر همان برنامه ها و ایده هایمان به مصاف آنها خواهیم رفت. آن اینکه احتمالاً پیرا من را در ترکیب اصلی تیم قرار خواهد داد بسیار خوشحالم. من خاطرات بسیار شیرینی از فرانسه دارم و بهترین روزهای فوتبال ام را در اینجا تجربه کرده ام.

گفتنی است کاکا و ارمسون پس از مصدومیت جرمی که به آن گرفتار بودند به بازی امشب تیمشان در مرحله یک چهارم نهایی خواهند رسید. مصدومیت آنها تا اندازه ای بود که به گفته لوئیس رونسو، پزشک تیم، اگر بازی یک روز زودتر انجام می شد، این دو هافبک ارزشمند شانس حضور در این میدان مهم را از دست می دادند. از طرفی بنا بر آخرین اخبار روبینیو و لوسیمو نیز می تواننند کشورشان را در برابر قهرمان دو دوره گذشته جام جهانی همراهی کنند. هر چند با گلزنی آدریانو در برابر غنا، شانس روبینیو برای حضور در ترکیب اولیه پریو بسیار اندک است.

شنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۵

نگاه

فوتبال تماشاگرپسند، یک فکر پوسیده اینجانب اریکسون تعهد می‌دهم...

بهرنگ دادوی

من هر لذتی را که جسم همه‌روزه آرزومند آن است و آنچه روحم را در این راه بر خود هموار می‌کند می‌شناسم. سپس خوابم آغاز خواهد شد و پس از آن زمین و آسمان دیگر در نظم هیچ ارزشی ندارند. . . . هر کار کاملی با لذت همراه است و از این جا بی می‌بری که می‌بایست آن را انجام دهی. من به هیچ روی به کسانی که با مشقت کار کرده‌اند و آن را مزیتی برای خود می‌شمارند ادراتی ندارم، چون به جای آنکه بر خود سختی هموار کنند، بهتر آن بود که به کارهای دیگر بپردازند. . . . (آندره ژید)

قرار نیست همیشه از دیدن بزرگترین فستیوال فوتبال جهان لذت برد. در کنار تمام زیبایی های جام جهانی نکاتی وجود دارند که از فکر تمام شدن این بازی ها و رکود تقریباً دوماعه فوتبال عذاب آووتر است. صبح فردای صعود ایتالیا به یک چهارم نهایی با انگلیس به همین مرحله در برخورد با هر فردی از اصناف مختلف انتظار نشیندن این جمله که «ایتالیا برنده شد و صعود کرد» کاملاً بیهوده بود. زمین و زمان از بازی قشنگ و غیرقشنگ، مالکیت توپ، حق و ناحق، عدالت، شانس، دفاع ایتالیا و . . . حرف می‌زد. ظاهراً مالک فقط سرگرم شدن پای تلویزیون‌ها است. . . . بازی دست استرالیا بود. . . . انگلیس کسل‌کننده بود. . . . انگار قرار است ۲۲ بازیکن حاضر در بازی تنها با ضمانت به ارمغان آوردن لحظات جذاب برای بینندگان تلویزیونی بازی کنند. مجاهده در این خصوص چندان متواضعانه نیست اما حسی موزیانه سعی می‌کند اثبات کنیم فوتبال یعنی برنده شدن و سایر ارکان آن در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. . . . ایتالیا را شمات می‌کند چون ما را سرگرم نمی‌کند، برزیل معجزه است که «زیبا بازی کند و کارلوس آلبرتو پریرا از این بابت انتقاد می‌شوند. . . . دعوت به بازی زیبایی که در ذات خود امتیازی در بر ندارد و نمی‌تواند باعث صعود شود. . . . از حق صحبت می‌کنند در حالی که در فوتبال امروز حق تعداد گل بیشتری است که تیم برده می‌زند و عادلانی به می‌معنی است. . . . مارچلو پیتزه دارد بزرگترین افتخار حرفه ای را به سیاهه خود اضافه کند اما ترسو خطاب می‌شود چون ناچار است به خاطر دل فوتبال‌دوستان که در کنار خانواده شب‌ها مشغول تماشای بازی ها هستند نمایش صد درصد هجومی ارائه کند. . . . اریکسون در پرتغال و ایتالیا با فینیک و لاتزیو قهرمان شد و جز این که با راهنمایی انگلیس به سوی جام لیاق‌ت خود را اثبات کند هدفی ندارد اما با انگ محتاط بودن روبه‌رو است. یعنی برایش دو حالت وجود دارد: یا نباید برود و فقط به فکر بازی زیبا باشد یا این که دو فاکتور را به هم تلفیق کند و در این بین گزینه «فقط پیروزی و برده» محکوم است. . . .

موضوع از این هم خنده‌دارتر می‌شود وقتی کوچک‌ترین سختی بین ذهینت بازیکنان و مربیان فوتبال و طرفداران این دیدگاه پیدا نمی‌کنیم. یقین جذب و قشنگ و تماشاگرپسند گاهی بسیار بی‌معنی نشان می‌دهد. هیچ بازیکنی در ابتدای راه خود و بستن اولین قرارداد حرفه‌ای طبق هیچ تبصره‌ای تعهد نمی‌دهد تماشاگران حاضر در ورزشگاه و بینندگان تلویزیونی را مسحور بازی زیبا کند. وقتی حس روحی و افتخار نام قهرمان بزرگترین لذت مکتبی را برای یک بازیکن به همراه دارد تنها بردن است که او را به این هدف می‌رساند نه ارائه یک بازی هجومی و جشنواره‌ای از حرکات تکنیکی و خلق صحنه‌های زیبا. . . . یک فوتبالبست یا مربی کارش را به دلیل علاقه به این ورزش و کسب افتخارات ممکن شروع می‌کند نه به وجد آوردن بینندگان تلویزیونی. . . . استرالیایی مقابل ایتالیا خوب بود، می‌توانیم اغراق ای حتی تخیلی فکر کنیم. . . . استرالیا فوق‌العاده بود، ایتالیا را نابود کرد، هشت بار توپ را به دروازه بوفون زد، سه بار به گل رسید که توسط داور مردود اعلام شد، درصد مالکیت توپ ۸۴ درصد به سود خودمان شد و در نهایت با برد ایتالیا یک بازی فوق‌العاده شناور و هجومی تحسین کارشناسان و تماشاگران را برانگیخت. اما. . . . سرانجام آتوزری با تک گل دیر هنگام توتی از روی نقطه پناثلی استرالیا را شکست داد و راهی دور بعد شد! سهم استرالیا بود! بازی زیبا آه و اشک و حسرت بازیکنان و هوادارانش بود! دیوید بکام و یارانش در زمین با هدایت اریکسون روی نیمکت می‌خواهند به هر قیمتی پیروز شوند تا قهرمان شوند، برزیل با برد می‌تواند به ششمین قهرمانی خود دست پیدا کند؛ نه صرفاً جادوی رونالدینیو، آن وقت روزی هزاران بار ناچار به شنیدن این هسبیم که «بازی شگفتی بود»، «محتاط بودند»، «فقط دفاع می‌کردند» و خلاصه اینکه «لذت نبردم». . . . ما کجاییم در این بحر تفکر تو کجا؟ عده‌ای به دنبال لمس جامی هستند که بزرگترین افتخار و بالاترین مرحله حرف‌شان است و بقیه که جلوی تلویزیون‌ها لم داده‌اند بی‌توجه به این نکته توجهات دیگری دارند. . . .

هنوز هم دیر نشده است. امروز نیمه دوم یک‌چهارم نهایی برگزار می‌شود. سرنوشت ایتالیا دیشب مشخص شد. انگلیس و برزیل که با این انتقاد روبه‌رو هستند باز هم برای بردن به مصاف حریفان می‌روند. . . . کاملاً درست است. هیچ‌کس از دیدن بازی زیبا بدش نمی‌آید اما لطفاً به چند اصل ساده و منطقی هم توجه کنید؛ «تیم برنده صعود می‌کند نه نمایشگر بازی زیباتر، و تاریخ فقط نام قهرمان را در کتاب خود ثبت می‌کند» اگر کنار آمدن با واقعیت این «فوتبال» دشوار است می‌توانید به دنیای خیالی یک فوتبال دیگر پناه ببرید. آن‌جا که در آن اریکسون یا پریرا با لیبی قیل از شروع جام جهانی به صورت کتبی این نوشته را به مقامات مسئول تحویل می‌دهند. . . . «اینجانب اسون گوران اریکسون تعهد می‌دهم برای رضایت فوتبال‌دوستان، بینندگان و روزنامه‌نگاران سراسر دنیا بدون توجه به اصل نتیجه‌گیری و صعود به مراحل بالاتر تیم را به سمت ارائه زیباترین و هیجان‌انگیزترین بازی‌ها هدایت کنم و در صورت تصور از این وظیفه حتی با وجود قهرمانی از سمت خود استعفا دهم و در صورت ناراضایی تماشاگران تلویزیونی از نندیدن بازی زیبا، مستحق هرگونه شماتی هستم!»